

بسم ربنا المقتدر علی ما کان و ما یکون

جوهر جواهر حمد و حقیقت حقایق ثنا ابها و اعلا ساحت عزّ قدس کبریائی را لایق و سزااست که بمبارکی اسم اعظم عالم را بطراز بدیع مزین فرموده بقسمی که نسّمات صبح ظهور بدیعش بر جمیع ممکنات مرور نمود مبارک وجود مسعودی که مهتر شد و بخلعت هستی مفتخر گشت قسم بمالک قدم که آفتاب فضل و کرم الهی در وسط نهار نه چنان ظاهر و مشرق است که بوصف درآید چنانچه مضمون این کلمات در هر حین از امواج بحر فضل الهی اصغا میشود و هو هذا یا ابناء البشر تعالوا الی ربکم منظر الله الأكبر و جمال الله الأطهر و یا اهل الناسوت تقرّبوا لأجعلکم وراث الملکوت ولكن صدهزار دریغ و افسوس که سمعی نه تا بشنود و قلبی نه تا تفقه نماید مع آنکه میفرماید جمیع عیون عالم از برای مشاهده افق اعلی خلق شده و جمیع آذان از برای اصغای ندایش و السن کائنات از برای ذکر و ثنایش و قلوب ممکنات از برای انطباع هیکل حبش ولكن کل محروم مشاهده شدند الا معدودی و هم فی الجنة یحیرون الی آخر قوله عزّ شأنه

یا محبوبی ای کاش بهمان اعراض و انکار قناعت مینمودند بل وارد آوردند بر حقّ و اولیا و احبّایش آنچه را که عیون امکان از او گریست و قلوب اشیاء بسوخت البتّه این مظلومیّت را در عالم اثر و ثمری بوده و خواهد بود والله هیچ جندی اقویّتر از صفت مظلومیّت در عالم ابداع ممکن نه و اهل دانش اثرات اعمال را انکار ننموده اند در یکی از الواح مبارکه ذکر ثمرات اعمال غیر مرضیه بریه مذکور در این مقام ذکر میشود تا بکلمات حقّ جلّ جلاله این ورقه مزین گردد قوله عزّ و جلّ

یا مهدی انوار آفتاب عدل را غمام ظلم منع نموده و افق فضل الهی را سحاب نزدیک شده همج رعاع ارض بر اطفاء نور و اخمداد نار قیام نموده اند و باین سبب ملّه بیضا و شریعة غرا ضعیف مانده و اعمال ناشایسته باشکال مختلفه مشهود بجای تسبیح صلیب سیوف مرتفع و بجای اعمال زماجیر رجال مسموع ارتکاب مناهی بشکل توپ ظاهر و جزای ملاهی بهیئت بنادق باهر عالم انسانرا ذیاب احاطه نموده غفلت عباد بمقامی رسیده که بجای نور ظلمت را امام اخذ نموده اند و محلّ علم و دانائی بجهل و نادانی متمسکند نمیدانند از برای چه آمده اند و بکجا میروند کور آمدند و کور زیستند و بگور میروند از حقّ بخواه تا دین مبین را نصرت فرماید و کلمه را مرتفع نماید و عالم را بنور توحید قطعۀ واحده سازد

بگو ای دوستان امروز روز ذکر و ثناست در لیالی و ایّام بذکر مالک انام مشغول باشید بشأنیکه سطوت مالک و ثروت مملوک شما را از حقّ منبع منع نماید و از توجّه باو باز ندارد اهل بغی و فحشا و ظلم و بغضای قبل کجایند کجاست قدرتشان و کجاست ثروتشان و کجاست امرشان و کجاست حکومتشان بثروت مباهات مینمودند و بعزّت فانیه اظهار جلال در حینیکه بنار قهر مشتعل در سقر مقرّ یافتند و منزل گزیدند اگر این دنیا و الوان و زخارف او شأنی میداشت اصفیا و انبیای الهی خود را بدست مشرکین نمیدادند در خاتم انبیا روح ما سواه فداه تفکر نما و همچنین قبله در حضرت روح و از قبل او انبیا و مقرّین و مخلصین کل در سبیل الهی سمّ ردی را بمثابه شهد بقا نوشیدند و باجنحه اشتیاق بقیاب عظمت پرواز نمودند یا لیت القوم یعلمون و یا لیت القوم یفقهون

یا مهدی مظلوم مکرّر ترا ذکر نمود و همچنین دوستان را انشاءالله موفق باشی بر آنچه لدی الله مقبول است حیات ظالمین بمثابه بقیه نور شمس است بر رؤس جبال عنقریب زایل شود و یقی الذکر و العزّه و العظمه لله و اولیائیه بگو ای اهل بها باخلاق روحانیّه و کلمات طیبّه و اقوال و اعمال پسندیده تمسک نمائید استحقّ لمن یحبّه و یدکره و یعمل ما انزله فی الکتاب انتهى

یا محبوبی مبارک طلعتی که از برای اصلاح عالم و حیات من فیه ظاهر شده از اهل فتنه و فساد شمرده اند انّ محبوبنا المظلوم اراد الحیوة لأهل العالم و العزّه لهم و هم ارادوا سفک دمه و اولیائیه من دون ینّه و برهان افّ لهم و بما اکتسبت ایادیهم

فی الحیوة الباطلة باری به ما عندهم از ما عند الله گذشتند ای دوست روحانی حال که شمس عدل در وراء غمام تیره ظلم و اعتساف مستور و بعد الأمر بید الله ربنا العزیز الغفور دوست دارم که لوح دیگری که در این ایام از سماء مشیت مالک انام نازل گشته در این مقام مسطور دارم قوله جلّ جلاله

بنام خداوند عالمیان

یا حسین سفینه حمرا باین کلمه علیا بر بحر اسماء جاری و ساری انه لا اله الا انا المهیمن القیوم یوم الله آمد و ناس از او غافل حق ظاهر و مشهود و خلق از او محجوب عجب سکری عالم را اخذ نموده نور و ظلمت را از هم تمیز نمیدهند بعضی بعناد برخاسته اند و بافترا لب گشوده اند چنانچه گفته اند که حزب الله اراده خروج و فساد دارند قل یا یأجوج ان انصف بالله و لا تکن من المفترین عنقریب ما و تو هر دو مسافریم و بجزای اعمال میرسیم حق عادل است و از ظلم نمیگذرد در جمیع الواح این کلمات عالیات بأعلی التداء شهادت میدهند بر تقدیس و تنزیه و امانت و دیانت و عفت اهل الله بگو در الواح حضرت اله مجدداً ملاحظه نمائید هل تجدون فیها من کلمة تدلّ علی الفساد لا ومولی العباد ظالم بهوی تکلم مینماید گویا عالم را باقی و خود را باقی دانسته و میداند این کلمه مبارکه بمثابة آفتاب است از برای افق سماء بیان عالم انسانی به نیر انصاف منیر و روشن و بعدل و دانش محکم و منتظم طوبی از برای نفسی که بغضا او را از صدق منع ننماید و نفی و هوی او را از تقی باز ندارد احرف نفی از قبل و بعد بوده اند آیا کدام از اعمال خود بهره بردند و از اعمال ناپسندیده ثمری برداشتند لو لا سبق حکم الکتاب لأریناهم جزاء اعمالهم اقرب من لمح البصر سوف یرون انفسهم خائیین خاسرین

اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بگو تمسکوا بالصبر و الاضطبار زود است که مشاهده مینمائید آنچه را در کتاب از قلم اعلی نازل شده چنانچه از قبل دیده اید بکمال حکمت به تبلیغ امر الهی مشغول باشید بشأنی که ضوضاء فراغه و غوغاء جباره شما را از مالک احدیه منع ننماید به تبلیغ تمسک نمائید و باندازه ارض بذر مبدول دارید شما از کدس معانی القاط نموده اید و از باب عظیم وارد شده اید و آنچه بر شما در سبیل مقصود عالم و محبوب امم وارد شده در کتب و الواح الهی مذکور و مسطور است این مقام را حفظ نمائید و از او یاری جوئید انتهی